

درس سوم

مَطَرُ السَّمَكِ

مَطَرُ السَّمَكِ

ظاهرة «مطر السمك» هي ظاهرة طبيعية تحدث سنوياً في جمهورية الهندوراس في أمريكا الوسطى. في بعض الأحيان تحدث هذه الظاهرة مرتين في السنة وتبدأ مع ظهور غيمة سوداء يتبعها برق ورعد ورياح قوية لمدة ساعتين أو أكثر. وبعد انتهاء هذه العاصفة تصبح الأرض مفروشة بالأسماك ويأخذها الأهالي معهم إلى البيت لطبخها وأكلها.

باران ماهی

پدیده بارش باران، پدیده‌ای طبیعی است که به صورت سالانه در جمهوری هندوراس واقع در آمریکای مرکزی روی می‌دهد. این پدیده گاهی سالانه دوبار پس از رعد و برق و توفان شدید به مدت دو ساعت یا بیشتر روی می‌دهد. پس از این طوفان، زمین شهر از ماهی فرش می‌شود و ساکنان ماهی‌ها را برای پختن و خوردن به خانه می‌برند.

ف: ترجمه: در این درس با نحوه ترجمه فعل‌های باب‌های «استفعال، افتعال، انفعال و تفعل» آشنا می‌شویم.

موضوع قواعد: آشنایی با ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید

آشنایی با باب‌های استفعال، افتعال، انفعال و تفعل

آشنایی با فعل‌های لازم و متعدی



لغت‌های جدید

فَلَمَ: فیلم	ثَلَجَ: برف، یخ	أثَارَ: برانگیخت
مَرَحِبًا بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما	جَاهِزَ: آماده	إِحْتَفَلَ: جشن گرفت
لَا حَظَّ: ملاحظه کرد	جِهَازَ: دستگاه	أَرْسَلَ: فرستاد
المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ: اقیانوس اطلس	جَوَّازُ السَّفَرِ: گذرنامه	أَصْبَحَ: شد
مَرَافِقَ: همراه	حَاوَلَ: تلاش کرد	إِعْصَارَ: گردباد
مَقْرُوشَ: پوشیده	حَسَنًا: بسیار خوب	أَمْرِيكَا الوُسْطَى: آمریکای مرکزی
مِهْرَجَانِ: جشنواره، فستیوال	حَيَّرَ: حیران کرد	أَمَطَرَ: باران بارید
نُزُولَ: پایین آمدن	سَحَبَ: کشید	إِثْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد
نِيَامَ: خفتگان	سَمَى: نامید	بَسَطَ: گستراند
	سوداء: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بِطَاقَةَ: کارت
	سَنَوِيًّا: سالانه	بَعُدَ: دور شد
	شَرَّفْتُمُونَا: مشرف فرمودید، به ما افتخار دادید	بُنِيَ: پسرکم
	صَدَّقَ: باور کرد	تَرَى: می بینی «أَنْ تَرَى: که ببینی»
	حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَسَاقَطَ: افتاد
	ظَاهِرَةً: پدیده	التَّعَرُّفَ عَلَيَّ: شناختن
	عَبَّرَ: از راه	تَعَلَّمَ: آموخت، یاد گرفت
	عَلَّمَ: یاد داد، آموزش داد	تَفْتِيشَ: بازرسی، جست‌وجو

متضادها

أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ	فَقَدَ ≠ كَسَبَ
بَعِيدَ ≠ قَرِيبَ	بِقُوَّةٍ ≠ بِهَدْوٍ
سُودَاءَ ≠ بِيضَاءَ	مُغْلَقَ ≠ مَفْتُوحَ
صُعُودَ ≠ نُزُولَ	نَامَ ≠ إِسْتَيْقَظَ

مترادف‌ها

إِعْصَارَ = رِيحٌ شَدِيدٌ	عُرْفَةَ = حُجْرَةَ
تَكَلَّمَ = تَحَدَّثَ	غَرِيبَ = عَجِيبَ
حَاوَلَ = إِجْتَهَدَ	عَمِيمَ = سَحَابَ
حَسَنًا = جَيِّدًا	مِهْرَجَانِ = حَفْلَةٍ، إِحْتِفَالِ
سَقُوطَ = نُزُولَ	نَظَرَ = شَاهَدَ
صَارَ = أَصْبَحَ	

جمع‌های مکسر

أَسْمَاكَ: سَمَكَ	ظَوَاهِرَ: ظَاهِرَةَ
أَعَاصِرَ: إِعْصَارَ	عُلَمَاءَ: عَالَمَ
أَنْجُمَ: نَجْمَ	أَفْلامَ: فِلمَ
ثُلُوجَ: ثَلَجَ	مِيَاهَ: مَاءَ
رِياحَ: رِيحَ	أَمْطَانَ: مَطَرَ
ذُنُوبَ: ذَنْبَ	نِيَامَ: نَائِمَ

مَطَرُ السَّمَكِ

باران ماهی

درس سوم

تجزیه و تحلیل صرفی

یُرْسِلُ: فعل، مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مزید، باب افعال، متعدی (ماضی: أَرْسَلَ) الزیاح: اسم، جمع مکسر، تُثْبِتُ: فعل، مضارع، مفرد مؤنث غایب، ثلاثی مزید، باب افعال، متعدی (ماضی: أَثَبَّتْ) یَنْسِقُ: فعل، مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مجرد، متعدی (ماضی: نَسَقَ) تُصَدِّقُ: فعل، مضارع، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مزید، باب تفعیل، متعدی (ماضی: صَدَّقَ) تَرَى: فعل، مضارع، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مجرد (ماضی: رَأَى) تَنْسَاقُ: فعل، مضارع، مفرد مؤنث غایب، ثلاثی مزید، باب تفاعل، لازم (ماضی: تَسَاقَطَ) تُؤَلِّمُ: اسم، مفرد، مذکر یُمْكِنُ: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مزید، باب افعال، متعدی (ماضی: أَمَكَّنَ) تَرَى: فعل مضارع، متکلم مع الغیر ثلاثی مجرد، متعدی تَنْظُرُ: فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی (ماضی: ظَنَرَ) یَكُونُ: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مجرد حَقِيقَةٌ: اسم، مفرد، مؤنث فُلْمًا: اسم، مفرد، مذکر خِیَالِیًّا: اسم، مفرد، مذکر أَنْظُرُ: فعل امر، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مجرد الصُّورُ: اسم، جمع مکسر، مؤنث تُشَاهِدُ: فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مزید، باب تفاعل، متعدی (ماضی: شَاهَدَ) سُقُوطُ: اسم، مفرد، مذکر تُمْطِرُ: فعل مضارع، مفرد مؤنث غایب، ثلاثی مزید، باب افعال، متعدی (ماضی: أَمَطَرَ) یُسَمَّى: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب ثلاثی مزید، باب تفعیل، متعدی (ماضی: سَمَّیَ) حَیَّرَتْ: فعل ماضی، مفرد مؤنث غایب، ثلاثی مزید، باب تفعیل، متعدی (مضارع: یُحَيِّرُ) سَنَوَاتٍ: اسم، جمع، مؤنث ما وجدوا: فعل ماضی منفی، جمع مذکر غایب یَخْذُلُ: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مجرد (ماضی: أَخَذَتْ) تَحَدَّثُ: فعل مضارع، مفرد مؤنث غایب، ثلاثی مجرد مَرَّتین: اسم، مثنی، مؤنث یُلَاحِظُ: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مزید، باب مفاعلة (ماضی: لَاحَظَ) غَمَمَةٌ: اسم، مفرد، مؤنث

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُحْمِلُهُ فِي السَّمَاءِ﴾ خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد و ابر را برمی‌انگیزد پس آن را در آسمان می‌گستراند

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ
أَيَا بَاورِ مِی‌کنی در روزی از روزها

الْأَسْمَاكَ تَنْسَاقُ مِنَ السَّمَاءِ!
ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان می‌افتند؟!

دقت شود فعل‌ها وقتی به باب می‌روند معنی آن‌ها تغییر می‌کند. اکثر دانش‌آموزان در ترجمه معنی فعل‌ها در باب‌ها دچار اشتباه می‌شوند.
صَدَّقَ: راست گفت (مضارع: يَصَدِّقُ / مصدر: صَدَّقَ)
صَدَّقَ: باور کرد، پذیرفت (مضارع: يَصَدِّقُ / مصدر: تصدَّقَ)
صَدَّقَ أَوْ كَذَّبَ: می‌خواهی باور کن می‌خواهی باور نکن
تَصَدَّقَ عَلَيَّ: صدقه داد، خیرات داد (مضارع: يَتَصَدَّقُ / مصدر: تَصَدَّقَ)

إِنَّ نَزُولَ المَطَرِ وَالتَّلَاجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛
همانا پایین آمدن باران و برف از آسمان چیزی (امری) طبیعی است؛

وَلِيَكُنْ أَيْمُنُكَ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ!
ولی آیا امکان دارد باران ماهی ببینیم؟!

هَلْ تَنْظُرُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ المَطَرُ حَقِيقَةً
آیا گمان می‌کنی که آن باران حقیقی باشد

وَلَيْسَ فُلْمًا خِیَالِیًّا؟
و فیلمی خیالی نیست؟!

حَسَنًا فَانظُرِي إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تَصَدِّقِ.
بسیار خوب پس به این عکس‌ها نگاه کن تا باور کنی.

برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن جمع‌های مکسر غیرعاقل (انسان) به مفرد آن‌ها توجه می‌کنیم. اگر مفرد آن‌ها مذکر باشد، مذکر و اگر مفرد آن‌ها مؤنث باشد، مؤنث در نظر گرفته می‌شوند. الصُّورُ: جمع الصُّورَةُ: مفرد مؤنث

أَنْظُرِي بَدِيقَةً: أَنْتِ تَشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ
با دقت نگاه کن؛ توافتادن ماهی‌ها را از آسمان

مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاكًا.
می‌بینی؛ گویا (از) آسمان باران ماهی می‌بارد.

يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ».
مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می‌نامند.

حَیَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً
این پدیده سال‌های طولانی مردم را حیران کرد

فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

پس برای آن جوابی نیافتند.

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ «باران ماهی» سالانه (هرسال) در جمهوری

الهندوراس في أمريكا الوسطى.

هندوراس در آمریکای مرکزی اتفاق می افتد.

تجزیه و تحلیل صرفی

رياحاً: اسم، جمع مکسر، مؤنث
ساعتين: اسم، مثنی، مؤنث
أكثر: اسم، مفرد، مذکر
تصبح: فعل مضارع، مفرد مؤنث غایب، ثلاثی
مزید، باب افعال (ماضی: أصبح)
الأرض: اسم، مفرد، مؤنث
يأخذ: فعل، مضارع، مفرد مذکر غایب، متعدی
ثلاثی مجرد (ماضی: أخذ)
طبخ: اسم، مفرد، مذکر
تناول: اسم، مفرد، مذکر
حاول: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب، ثلاثی
مزید، باب مفاعلة، متعدی (مضارع: يُحاول)
العلماء: اسم، جمع مکسر، مذکر
معرفة: اسم، مفرد، مؤنث
سرا: اسم، مفرد، مذکر
أرسلوا: فعل، ماضی، جمع مذکر غایب، ثلاثی
مزید، باب افعال
زيارة: اسم، مفرد، مؤنث
المكان: اسم، مفرد، مذکر
التعرف: اسم، مفرد، مذکر
الأرض: اسم، مفرد، مؤنث
الإعصار: اسم، مفرد، مذکر
وجدوا: فعل، ماضی، جمع مذکر غایب، ثلاثی مجرد
المنتشرة: اسم، مفرد، مؤنث
متعلقة: اسم، مفرد، مؤنث
المياه: اسم، جمع مکسر، مذکر
المجاورة: اسم، مفرد، مؤنث
يبعد: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مجرد، متعدی
مائي: اسم، مثنی، مؤنث
سقوط: اسم، مفرد، مذکر
سبب: اسم، مفرد، مذکر
تشكيل: اسم، مفرد، مذکر
يسحب: فعل، مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مجرد، متعدی
قوة: اسم، مفرد، مؤنث
يأخذ: فعل، مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مجرد، متعدی
مكان: اسم، مفرد، مذکر
يفقد: فعل، مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مجرد، متعدی
يختلف: فعل مضارع، مفرد مذکر غایب، ثلاثی
مزید، باب افعال (مصدر: إحتفال)
يُسَمون: فعل مضارع، جمع مذکر غایب، ثلاثی
ثلاثی مجرد، باب تفعیل، متعدی
مهرجان: اسم، مفرد، مذکر

حَدَث: اتفاق افتاد، رخ داد (مضارع: يَحْدُثُ / مصدر: حُدُوث)

حَدَّث: گفت، سخن گفت (مضارع: يُحَدِّثُ / مصدر: حَدِيث)

أَخَذَتْ: به وجود آورد، خلق کرد، اختراع کرد (مضارع: يُخَذِّتُ، مصدر: إِحْدَات)

5

تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً

گاهی اوقات این پدیده دو بار در سال اتفاق می افتد.

فِيلا حِظُّ النَّاسِ عَظِيمَةٌ وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَرِيحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا

پس مردم ابر سیاه بزرگی ورعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را

لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالأَسْمَاكِ،

به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می کنند و سپس زمین پوشیده از ماهی ها می شود.

فِيأخُذُهَا النَّاسُ لِيُطْبِخَهَا وَتَنَاوُلُهَا.

سپس مردم آن ها را برای پختن و خوردن می گیرند.

حَاوَلُ العِلْمَاءِ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجِيبَةِ؛

دانشمندان برای شناخت (دانستن) راز آن پدیده عجیب تلاش کردند.

فَأرْسَلُوا فَرِيقًا لِيُزَارَةَ المَكَانَ وَالتَّعَرَّفَ عَلَي

پس گروهی را برای بازدید آن مکان و شناختن

الأَسْمَاكِ الَّتِي تَنسَاقُطُ عَلَي الأَرْضِ بَعْدَ الإِعْصَارِ

ماهی هایی که بر روی زمین بعد از گردباد می افتند، فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الأَسْمَاكِ المُنْتَشِرَةِ عَلَي الأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَنوعٍ وَاحِدٍ،

پس یافتند که همه ماهی های پراکنده شده بر روی زمین به یک اندازه و یک نوع هستند.

وَلَكِنَّ العَرِيبَ فِي الأَمْرِ أَنَّ الأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالمِياهِ المِجاوِرَةِ

اما تعجب آور در (این) موضوع آن است که ماهی ها به آب های مجاور تعلق ندارند.

بَلْ بِمِياهِ المِحيطِ الأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مِساْفَةً مِائَتِي كيلومترٍ عَن مَحَلِّ سِقُوطِ الأَسْمَاكِ.

بلکه برای آب های اقیانوس اطلس هستند که مسافت دویست کیلومتر از محل افتادن ماهی ها دور می باشد.

مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ!؟

دلیل تشکیل این پدیده چیست!؟

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ

گردبادی شدید اتفاق می افتد و این گردباد ماهی ها را با قدرت به آسمان می کشد.

وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَنسَاقُطُ عَلَي الأَرْضِ.

و آن ها را به مکانی دور می برد و زمانی که سرعتش را از دست می دهد (ماهی ها) بر روی زمین می افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الِهندوراسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمونَهُ «مِهْرَجَانُ مَطَرِ السَّمَكِ».

مردم سالانه (هرسال) این روز را جشن می گیرند و آن را «فستیوال (جشنواره) باران ماهی» می نامند.

حوارات (فی قِسْمِ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ)
گفت‌وگوها (بخش گذرنامه‌ها در فرودگاه)

المُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ:
مسافرایرانی:

شُرْطِيُّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ
پلیس اداره گذرنامه:

نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِيْنَةِ زَابُلٍ.
ما از ایران و از شهر زابل هستیم.

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟
خوش آمدید. شما از کدام کشور هستید؟

أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
از شما تشکر می‌کنم آقا.

مَرْحَبًا بِكُمْ. شَرَّفْتُمُونَا.
خوش آمدید. به ما افتخار دادید.

أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَمِيْلَةً.
این زبان را دوست دارم. عربی زیباست.

مَا شَاءَ اللهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!
ما شاء الله! به (زبان) عربی خوب سخن می‌گویی!

سَبْعَةٌ: أَنَا وَ الْوَالِدَايَ وَ الْأَخْتَايَ وَ الْأَخْوَايَ.
هفت: من و پدر و مادرم و دو خواهرم و دو برادرم.

كَمْ عِدَدَ الْمُرَافِقِينَ؟
تعداد همراهان چقدر است (همراهان چند نفرند)؟

نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مَنَا بِطَاقَتِهِ بِيَدِهِ.
بله؛ هریک از ما کارتش در دستش است.

أَهْلًا بِضِيُوفِ الرَّحْمَانِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟
خوش آمدید مهمانان (خدای) رحمان. آیا کارت ورود دارید؟

نَحْنُ جَاهِزُونَ.
ما آماده‌ایم.

رَجَاءً إِجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.
لطفاً گذرنامه‌هایتان را در دست بگیرید.

تمرین های امتحانی ترجمه

التمرین الأول - أكمل الترجمة:

۱. الله الذي يُرسلُ الرياحَ فتنثرُ سحاباً فيسقطُهُ في السماءِ .
خداوند کسی است که را می فرستد پس ابر را پس آن را در آسمان
۲. إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَالتَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ .
همانا باران و از آسمان ، امری طبیعی است .
۳. حَسْبًا فَإِنظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ .
..... پس به این نگاه کن تا
۴. يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرِ السَّمَكِ» .
مردم این طبیعی را «باران ماهی»
۵. أَرْسَلُوا فَرِيقًا لِرِيزَةِ المَكَانِ وَالتَّعَرُّفِ عَلَى الأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ .
فرستادند را برای آن مکان و ماهی هایی که بر روی زمین
۶. إِنَّ هَذَا الإِعْصَارَ يَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ .
همانا این ماهی ها را به سوی با قدرت
۷. يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِنْدُورَاسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ» .
مردم در هندوراس این روز را و آن را «مهرجان باران ماهی»
۸. النَّاسُ نِيَامٌ؛ إِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا؛
مردم ؛ هنگامی که می میرند
۹. فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللهُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللهُ؛
برای گناهانشان و چه کسی را می آمرزد جز خدا .
۱۰. المِشْمِشُ فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُحَفَّفَةً اَيْضًا؛
..... میوه ای است که آن را به صورت هم

التمرین الثاني - عین الصحیح و الخطأ علی حسب نَصِّ الدَّرْسِ:

- | الخطأ | الصحیح |
|--------------------------|--------------------------|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
۱. يَحْتَفِلُ أَهَالِي الهِنْدُورَاسِ بِهَذَا اليَوْمِ شَهْرِيًّا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ البَحْرِ» .
 ۲. يَأْخُذُ النَّاسُ الأَسْمَاكِ الَّتِي تُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ لِلتَّبِيعِ .
 ۳. سِرُّ ظَاهِرَةِ «مَطَرِ السَّمَكِ» مَجْهُولٌ حَتَّى الآنَ .
 ۴. تَحَدَّثُ ظَاهِرَةُ «مَطَرِ السَّمَكِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ .
 ۵. إِنَّ الأَسْمَاكِ مُتَعَلِّقَةٌ بِمِيَاهِ المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ .

التمرین الثالث - عین الترجمة الصحیحة للكلمة أشير إليها بخط:

۱. هَلْ تُصَدِّقُ ظَاهِرَةَ «مَطَرِ السَّمَكِ»؟
باور می کنی راست می گویی
۲. يُلاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً عَظِيمَةً .
ابرها یک ابر
۳. حَاوَلَ العِلْمَاءُ مَعْرِفَةَ «مَطَرِ السَّمَكِ» .
تلاش کردند بررسی کردند

٤. إِنَّ هَذَا الْأَعْصَارَ يَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ. محاسبه می‌کنند می‌کشند
٥. مَا يَتَّبِعُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. تحقیق نکردند ناامید نشدند

التمرین السابع - عین الترجمة الصحيحة:

١. أَيْمُنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! **الف.** آیا امکان دارد باران ماهی ببینیم؟! **ب.** آیا امکان دارد باران ماهی ببینند؟!
٢. حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سِنَوَاتٍ طَوِيلَةً. **الف.** این پدیده سال‌های طولانی مردم را حیران کرد. **ب.** این پدیده سالیان متمادی مردم را حیران می‌کند.
٣. تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ. **الف.** این پدیده چندین بار در سال اتفاق می‌افتد. **ب.** این پدیده دو بار در سال رخ می‌دهد.
٤. يُلَاحِظُ النَّاسُ رِيحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا. **الف.** مردم بادی قوی و باران‌های شدید را مشاهده می‌کنند. **ب.** مردم بادهای قوی و بارانی شدید را مشاهده می‌کنند.
٥. حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. **الف.** دانشمندان (برای) دانستن راز آن پدیده عجیب، تلاش کردند. **ب.** محققان (برای) فهمیدن راز آن پدیده عجیب، تلاش می‌کنند.
٦. ﴿فَدَعَا رَبِّي أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ﴾ **الف.** پس پروردگارت را بخوان قطعاً من مغلوب هستم، پس انتقام بگیر. **ب.** پس پروردگارش را خواند قطعاً من مغلوب هستم، پس انتقام بگیر.

التمرین الخامس - عین الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة و الواقع:

الصحيح غير الصحيح

-
-
-
-
-

١. تَحَدَّثُ ظَاهِرَةٌ «قَوْسُ الْقَرْحِ» قَبْلَ نَزُولِ الْمَطْرِ:
٢. الْمَهْرَجَانُ احْتِفَالٌ عَامٌّ لِمُنَاسِبَةٍ جَمِيلَةٍ، كِمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَمَهْرَجَانِ الْأَفْلامِ:
٣. الْإِعْصَارُ هُوَ عِبَارَةٌ عَنِ عَاصِفَةٍ (يَاد) اسْتَوَائِيَّةٍ تَحَدَّثُ بِالْقَرْبِ مِنَ الْمَحِيطَاتِ:
٤. يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَتَامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ:
٥. الْجَوُّ بَرْدٌ، فِي الصَّيْفِ مَعَ نَزُولِ النَّلْجِ:

التمرین السادس - صَنَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدِ الْمُنَاسِبِ: (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ)

١. الْإِعْصَارُ الف. جهازٌ لِلخَّلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.
٢. مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ ب. مكانٌ لِحَفْظِ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ.
٣. الْمَوْشِمِش ج. رِيحٌ شَدِيدَةٌ، تَنْتَقِلُ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.
٤. الْمُتَحَف د. فَاكِهَةٌ بِأَكْلِهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةٌ أَيْضًا.
٥. الْمُحِيط ه. تَجْمَعُ كَبِيرٌ لِلْمِيَاهِ.

التمرین السابع - عین الكلمات المترادفة و المتضادة: (=) (=)

صُعُودٌ / مُغْلَقٌ / أَنْزَلَ / احْتِفَالٌ / مِفْتَوحٌ / مَهْرَجَانٌ / رَفَعَ / نَزَلَ / صَارَ / غُرْفَةٌ / أَصْبَحَ / حُجْرَةٌ

/ = / = / = / = / = / = / = / =

التمرين الثامن - عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي لائْتَنَاسِبُ الكَلِمَاتِ الأُخْرَى فِي القَوَاعِدِ وَالمَعْنَى:

- | | | | | | | | | | |
|--------------------------|------------|--------------------------|----------|--------------------------|------------|--------------------------|-------------|--------------------------|-------------------|
| <input type="checkbox"/> | رِيح | <input type="checkbox"/> | إِعْصَار | <input type="checkbox"/> | جِهَاز | <input type="checkbox"/> | مَطَر | <input type="checkbox"/> | نَلْج |
| <input type="checkbox"/> | مُكَيِّف | <input type="checkbox"/> | مُتَحَف | <input type="checkbox"/> | مُتَوَصِّف | <input type="checkbox"/> | مُسْتَشْفَى | <input type="checkbox"/> | دَوْرَةُ المِيَاه |
| <input type="checkbox"/> | إِنْتِفَاع | <input type="checkbox"/> | إِطْفَاء | <input type="checkbox"/> | مُمَارَسَة | <input type="checkbox"/> | أَسْمَاك | <input type="checkbox"/> | إِمْتِلَاء |
| <input type="checkbox"/> | بِهَائِم | <input type="checkbox"/> | أَشْجَار | <input type="checkbox"/> | يُسَمَّى | <input type="checkbox"/> | إِصْطِفَاف | <input type="checkbox"/> | نُفَايَات |
| <input type="checkbox"/> | تَعَاوُن | <input type="checkbox"/> | حِفَاف | <input type="checkbox"/> | إِقْتِرَاح | <input type="checkbox"/> | أَثَار | <input type="checkbox"/> | إِغْلَاق |
| <input type="checkbox"/> | تَسْعِين | <input type="checkbox"/> | سَبْعِين | <input type="checkbox"/> | بِنِين | <input type="checkbox"/> | بِسْتِين | <input type="checkbox"/> | خَمْسِين |

التمرين التاسع - اُكْتُبْ مَا طَلَبَ مِنْكَ:

١. هذا الإِعْصَارُ يَسْحَبُ الأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ (بالفارسية):
٢. ذَهَبْتُ لِإِطْفَاءِ المُكَيِّفَاتِ (بالفارسية):
٣. اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ (بالفارسية):
٤. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ (بالفارسية):
٥. إِعْصَارٌ (الجمع):
٦. ظَاهِرَةٌ (الجمع):
٧. فِلمٌ (الجمع):

التمرين العاشر - تَرَجِّمِ الجَمَلَ التَّالِيَةَ:

١. هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ الأَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!
٢. يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرِ السَّمَكَ».
٣. يُلَاحِظُ النَّاسُ عَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَرِيحاً قَوِيَّةً.
٤. يَأْخُذُ النَّاسُ الأَسْمَاكَ لِطَبْخِهَا وَتَنَاوُلِهَا.
٥. حَاوَلَ العُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجِيبَةِ.
٦. يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِنْدُورَاسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مَهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكَ».
٧. زَانَ اللهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرَرِ.
٨. النَّاسُ نِيَامٌ إِذَا مَاثُوا إِنْتَبَهُوا.
٩. سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا.
١٠. يَبْحَثُ فِي الأَرْضِ.

پاسخ تمرین‌های امتحانی ترجمه

التمرین الأول

- ۱ بادها / برمی‌انگیزد / می‌گستراند
- ۲ بارش (فروریختن) / برف
- ۳ بسیار خوب / عکس / باور کنی
- ۴ پدیده / می‌نامند
- ۵ گروهی / دیدار / شناختن / می‌افتند
- ۶ گردباد / آسمان / می‌کشد
- ۷ سالانه / جشن می‌گیرند / فستیوال / می‌نامند
- ۸ خفتگان‌اند / بیدار می‌شوند (آگاه می‌شوند)
- ۹ طلب آموزش می‌کردند / گناهان
- ۱۰ زردآلو / مردم / خشک / می‌خورند

التمرین الثاني

- ۱ الخطأ
- ۲ الخطأ
- ۳ الخطأ
- ۴ الخطأ
- ۵ الصَّحیح

التمرین الثالث

- ۱ باور می‌کنی
- ۲ یک ابر
- ۳ تلاش کردند
- ۴ می‌کشند
- ۵ ناامید نشدند

التمرین الرابع

- ۱ گزینه «الف»
- ۲ گزینه «الف»
- ۳ گزینه «ب»
- ۴ گزینه «ب»
- ۵ گزینه «الف»
- ۶ گزینه «ب»

التمرین الخامس

- ۱ غیرالصَّحیح
- ۲ الصَّحیح
- ۳ الصَّحیح
- ۴ الصَّحیح
- ۵ غیرالصَّحیح

التمرین السادس

- ۱ گزینه «ج»
- ۲ گزینه «الف»
- ۳ گزینه «د»
- ۴ گزینه «ب»
- ۵ گزینه «ه»

التمرین السابع

- صُعود ≠ نزول / مُغلق ≠ مفتوح / أُتزل ≠ رَفَع / احتفال = مهرجان / صار = أصبح / عُرْفَة = حُجْرَة

التمرین الثامن

- ۱ جهاز
- ۲ مُكَيَّف
- ۳ أسماك
- ۴ يُسَمِّي
- ۵ أثار
- ۶ بنين

التمرین التاسع

- ۱ گردباد / می‌کشد
- ۲ خاموش کردن / کولرها
- ۳ گذرنامه‌ها
- ۴ کارت‌های ورودی
- ۵ أعاصير
- ۶ ظواهر
- ۷ أفلام

التمرین العاشر

- ۱ آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهی‌ها را ببینی که از آسمان می‌افتند.
- ۲ مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می‌نامند.
- ۳ مردم ابرسیاه بزرگی و بادهایی قوی مشاهده می‌کنند.
- ۴ مردم ماهی‌ها را برای پختن و خوردن می‌گیرند.
- ۵ دانشمندان برای دانستن راز آن پدیده‌ی عجیب تلاش کردند.
- ۶ مردم در هندوراس این روز را سالانه جشن می‌گیرند و آن را فستیوال باران ماهی می‌نامند.
- ۷ خداوند آسمان را با ستاره‌هایی مانند مروارید آراست.
- ۸ مردم خوابند هنگامی که می‌میرند بیدار می‌شوند (متوجه می‌شوند، آگاه می‌شوند)
- ۹ کسانی که ظلم کردند خواهند دانست.
- ۱۰ در زمین جست‌وجو می‌کنند.

درسنامه قواعد

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۱)

در زبان عربی فعل‌ها براساس تعداد حروفِ صیغهُ «ماضی مفرد مذکر غایب» به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. ثلاثی مجرد:

فعل‌های ثلاثی مجرد، فعل‌هایی هستند که ماضی مفرد مذکر غایب آن‌ها فقط از ۳ حرف اصلی تشکیل می‌شوند؛ مانند: حَرَجَ، عَرَفَ، كَسَرَ، عَلِمَ

۲. ثلاثی مزید:

فعل‌های ثلاثی مزید فعل‌هایی هستند که ماضی مفرد مذکر غایب آن‌ها علاوه بر ۳ حرف اصلی، حروف زائد نیز دارد؛ مانند: اِسْتَحْرَجَ، اِعْتَرَفَ، اِنْكَسَرَ، تَعَلَّمَ.

فعل‌های ثلاثی مزید علاوه بر این‌که تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد. این فعل‌ها هشت دسته هستند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود.

در این درس با چهار باب «اِسْتَفْعَال»، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال و تَفَعُّل» آشنا می‌شویم:

ماضی	مضارع	امر	مصدر	باب	حروف زائد
اِسْتَفْعَلُ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَال	اِسْتِفْعَال	ا - س - ت
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال	اِفْتِعَال	ا - ت
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال	اِنْفِعَال	ا - ن
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل	تَفَعُّل	ت - ء

دانش‌آموزان عزیز، برای تشخیص افعال مزید و مجرد بهتر است وزن‌های ثلاثی مزید را که تعداد آن‌ها اندک است، حفظ کنید. سپس وزن فعل مورد نظر را با وزن‌های فعل‌های ثلاثی مزید مطابقت دهید اگر هم وزن یکی از فعل‌های مزید باشد؛ آن فعل، ثلاثی مزید است.

برای تشخیص آسان‌تر، بهتر است فعل‌ها را به صیغهُ «مفرد مذکر غایب» تبدیل کنید؛ مانند:
يُعْتَرِفُونَ ← يَعْتَرِفُ ← يَفْتَعِلُ ← ثلاثی مزید

مثال عَيْنُ الْأَفْعَالِ الْمَجْرَدَةِ وَالْمَزِيدَةِ:

جَلَسَ:	اِئْتَحَبَ:	تَحَرَّجُوا:	عَرَفْتُمْ:
يَكْتُتِبُ:	يُنْتَبِهُ:	تَنْقَطِعُونَ:	تَجَلِّسَانُ:
اَنْظَرُ:	اِسْتَغْفِرَا:	اُكْتُبْنَ:	تَعَلَّمِي:

پاسخ

جَلَسَ: ثلاثی مزید	اِئْتَحَبَ: ثلاثی مزید	تَحَرَّجُوا: ثلاثی مزید	عَرَفْتُمْ: ثلاثی مجرد
يَكْتُتِبُ: ثلاثی مزید	يُنْتَبِهُ: ثلاثی مجرد	تَنْقَطِعُونَ: ثلاثی مجرد	تَجَلِّسَانُ: ثلاثی مجرد
اَنْظَرُ: ثلاثی مجرد	اِسْتَغْفِرَا: ثلاثی مزید	اُكْتُبْنَ: ثلاثی مجرد	تَعَلَّمِي: ثلاثی مزید

مثال عین نوع باب الأفعال التالیة:

.....
.....
.....

پاسخ

.....
.....
.....

نکته

دقت شود در باب «تَفَعَّلَ» فعلی صیغه «جمع مذکر مخاطب» در «امر» و فعل صیغه «جمع مذکر غایب» در «ماضی» یکسان است که در جمله و از طریق معنی قابل تشخیص می‌باشد.
 هُمْ تَعَلَّمُوا: شما آموختید (ماضی) أَنْتُمْ تَعَلَّمُوا: شما بیاموزید (امر)

الفعلُ اللازمُ و الفعلُ المتعدّي

۱. الفعل اللازم:

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و نیاز به مفعول ندارد فعل لازم (ناگذر) نامیده می‌شود؛ مثال:
 رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند

۲. الفعل المتعدّي:

فعلی که به مفعول نیاز دارد و معنای آن با فاعل تمام نمی‌شود، فعل متعدی (گذرا) نامیده می‌شود؛ مثال:
 أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد. يَقْطَعُ النَّجَارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.
 برای تشخیص فعل لازم از متعدی، ابتدا معنی فعل را به دست می‌آوریم، سپس از فعل می‌پرسیم: «چه کسی را» یا «چه چیزی را» اگر سؤال ما معنا داشت آن فعل، متعدی است و اگر معنا نداشت، لازم است؛ مانند:
 قال: گفت (چه چیزی را گفت؟) این جمله یعنی «چه چیزی را گفت» معنی می‌دهد، لذا فعل «قال» متعدی است اما فعل «جَلَسَ» که یک فعل لازم است، با «چه کسی را نشست» یا «چه چیزی را نشست» معنی نمی‌دهد.

مثال عین الفعل اللازم و الفعل المتعدّي:

- | | |
|-------|-------|
| | |
| | |
| | |
| | |

پاسخ

۱. زان: فعل متعدی ۲. تنمو: فعل لازم ۳. ذکرت: فعل متعدی ۴. ایشتری: فعل متعدی

فَنُّ التَّرْجَمَةِ

معنای فعل ثلاثی مجرد با ثلاثی مزید فرق دارد و هریک از باب‌ها معانی خاص خود دارند.

یکی از معنای مشهور باب استفعال «طلب و درخواست» است؛ مثال:

عَفَرَ: آموزید اِسْتَعْفَرَ: آموزش خواست، طلب آموزش کرد رَجِمَ: رحم کرد اِسْتَرْحَمَ: بخشایش خواست، طلب بخشایش کرد

مثال تَرْجِمَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

۱. خَدَمَ: خدمت کرد ← اِسْتَخْدَمَ:
 ۲. شَهِدَ: شاهد بود ← اِسْتَشْهَدَ:

پاسخ

۱. اِسْتَخْدَمَ: به خدمت گرفت، استخدام کرد
 ۲. اِسْتَشْهَدَ: به شهادت طلبید / طلب شهادت کرد

باب «انفعال» برای «مطاوعه» (پذیرش و قبول اثر فعل) می‌باشد.

دقت شود فعل‌های باب انفعال نیاز به مفعول ندارند؛ مثال:

جَمَدَتْ الْمَاءَ، فَأَنْجَمَدَ: آب را منجمد کردم، پس منجمد شد (قبول انجامد کرد)

كَسَرَ الطِّفْلُ الرَّجَاحَ: کودک شیشه را شکست.

مفعول مفعول

اِنْكَسَرَ الرَّجَاحُ: شیشه شکسته شد (این جمله مفعول ندارد، زیرا «اِنْكَسَرَ» از باب «انفعال» بوده و نیاز به مفعول ندارد).

مثال تَرْجِمَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

۱. قَطَعَ: قطع کرد، برید ← اِنْقَطَعَ:
 ۲. بَعَثَ: فرستاد ← اِنْبَعَثَ:

پاسخ

۱. اِنْقَطَعَ: قطع شد، بریده شد
 ۲. اِنْبَعَثَ: فرستاده شد

معنای مشهور باب «اِفْتَعَال» و «تَمَعُّل» مطاوعه (پذیرش اثر فعل) است؛ مثال:

مَنَعَ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ عَنِ الْعَمَلِ، فَأَمْتَنَعَ: پزشک بیمار را از کار باز داشت، او هم پذیرفت و خودداری کرد.

أَدَّبَ الْوَالِدُ الطِّفْلَ، فَتَأَدَّبَ: پدر کودک را ادب کرد و او هم با ادب شد.

مثال تَرْجِمَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

۱. مَلَأَ: پر کرد ← اِمْتَلَأَ:
 ۲. فَتَحَ: باز کرد ← تَفَتَّحَ:
 ۳. عَلَّمَ اللهُ الْإِنْسَانَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا، فَتَعَلَّمَ:
 ۴. جَمَعَتْ زُمَلَانِي لِلأَضْطَفَافِ الصَّبَاحِي، فَأَجْتَمَعُوا:

پاسخ

۱. امتلا: پر شد
 ۲. تَفَتَّحَ: باز شد
 ۳. خداوند به انسان تمام اسم‌ها را آموخت، پس او فرا گرفت.
 ۴. جمع کردم همکلاسی‌هایم را برای صف صبحگاهی، پس جمع شدند.

تمرین‌های امتحانی قواعد

التمرین الأول - تَرْجِمَ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ:

باب	مصدر	امر	نهی	مضارع منفی	مضارع	ماضی منفی	ماضی
.....	اِسْتِغْفَار آمزش خواستن	اِسْتَفْعِرْ	لَا تَسْتَفِرْ	لَا يَسْتَفِرُّ	يَسْتَفِرُّ	مَا اسْتَفْعَرَ	۱. اِسْتَفْعَرَ
.....	اِعْتِذَار عذر خواستن	اِعْتِذِرْ	لَا تَعْتِذِرْ	لَا يَعْتِذِرُ	يَعْتِذِرُ	مَا اِعْتَذَرَ	۲. اِعْتَذَرَ
.....	اِنْقِطَاع قطع شدن	اِنْقِطِعْ	لَا تَنْقِطِعْ	لَا يَنْقِطِعُ	يَنْقِطِعُ	مَا اِنْقَطَعَ	۳. اِنْقَطَعَ
.....	تَكَلُّم صحبت کردن	تَكَلِّمْ	لَا تَتَكَلَّمْ	لَا يَتَكَلَّمُ	يَتَكَلَّمُ	مَا تَكَلَّمَ	۴. تَكَلَّمَ
.....	اِمْتِنَاع خودداری کردن	اِمْتِنِعْ	لَا تَمْتِنِعْ	لَا يَمْتِنِعُ	يَمْتِنِعُ	مَا اِمْتَنَعَ	۵. اِمْتِنَعَ
.....	تَعَلُّم یاد گرفتن	تَعَلَّمْ	لَا تَتَعَلَّمْ	لَا يَتَعَلَّمُ	يَتَعَلَّمُ	مَا تَعَلَّمَ	۶. تَعَلَّمَ

التمرین الثاني - عَيِّنْ ضَمِيرًا مَنَاسِبًا لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ:

أنا / أنت، أنت / هو، هي / نحن / أنتم، أنتما، أنثى / هما، هم، هن

.....
.....
.....
.....

التمرین الثالث - صَنِّعْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مَنَاسِبًا:

- ﴿وَمَا..... مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يَلْسَانُ قَوْمِهِ﴾
و ما هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم.

نَتَعَاوَنُ أَرْسَلْنَا
- إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَوْفَ..... كُنَّا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سِتِّينَ.
اگر خدا بخواهد همه ما بعد از دو سال از مدرسه فارغ التحصیل می‌شویم.

نَتَخَرَّجُ تَخْرُجُ

۳. إلهي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَائِي. قَطَعَ انْقَطَعَ
- خدایا امید من از خلق (از انسان‌ها) بریده شده است و تو امید من هستی.
۴. كان صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. يَنْتَظِرُ يَنْتَظِرُ
- دوستم انتظار پدرش را می‌کشید تا به خانه باز گردد.
۵. رجاء، يا وُلْدِي، أَخَاكَ مِنْ فَوْقِ الْفَرْسِ. أَنْزَلَ أَنْزَلَ
- لطفاً، ای فرزندم، برادرت را از بالای اسب پایین بیاور.
۶. أنا وزميلي رَسَائِلَ عَيَّرَ الْإِنْتَرْنِتِ. اسْتَمَلْنَا اسْتَمَلْنَا
- من و همکلاسی‌ام نامه‌هایی از طریق اینترنت تحویل گرفتیم.
۷. يا بِنْتِي، ماذا تَريْدُ مِنْ أُمِّكَ؟ لَقَدْ هَا. عَيَّرْتِ عَيَّرْتِ
- ای پسر، از مادرت چه می‌خواهی؟ او را حیران کرده‌ای (گیج کرده‌ای).
۸. يا لَيْتَ السَّمَاءَ عَلَيْنَا كَثِيراً هَذَا الْيَوْمَ! تَغَطَّرُ تَغَطَّرُ
- ای کاش آسمان این روز بسیار بر ما بیارد!

التمرین السابع - عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ:

۱. الماضي من «تَكَلَّمَ»: تَكَلَّمَ كَلَّمَ كَلَّمَ
۲. المضارع من «انْقَطَعَ»: انْقَطَعَ يَنْقَطِعُ انْقَطَعُ
۳. المصدر من «تَعَلَّمَ»: اسْتِغْلَامٌ تَعْلِيمٌ تَعْلَمُ
۴. الأمر من «تَشْتَغَلُ»: اسْتَغْلِ شَغَلْ اسْتَغْلِ
۵. النهي من «تَسْتَرْجِعُ»: ما تَسْتَرْجِعْ لا تَسْتَرْجِعْ لا تَسْتَرْجِعْ
۶. المستقبل من «يُنْفَتِحُ»: لا يَنْفَتِحْ انْفَتِحْ سَيَنْفَتِحْ

التمرین الخامس - صَعِّعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً، ثُمَّ تَرجمها:

لا تَحْتَرِقُوا / اِبْتَسِمُوا / اُنْحَرِجُوا / تَعَرَّفُوا / اِنْكَسَرُوا / اِنْتَبَهُوا / لا تَشْتَغِلُوا / يَنْكَلِمُونَ / اِحْتَرَقُوا / اسْتَخَدَمُوا

الكلمة	الفعل الماضي	الفعل المضارع	المصدر	فعل الأمر	فعل النهي
.....
الترجمة
الكلمة
الترجمة

التمرین السادس - عَيْنُ الْفِعْلِ الْلازِمِ وَالْمُتَعَدِّي عَلَى حَسَبِ التَّرْجُمَةِ:

۱. كانوا يصنعون (می‌ساختند): اِنْكَسَرَ الرَّجُلُ (شیشه شکست):
۲. كانوا يصنعون (می‌ساختند): اِنْكَسَرَ الرَّجُلُ (شیشه شکست):
۳. يعرفونهم (آن‌ها را می‌شناسند): وَأَثَرُ الْبَحْرِ (دریا را ترک کن):
۴. يعرفونهم (آن‌ها را می‌شناسند): وَأَثَرُ الْبَحْرِ (دریا را ترک کن):
۵. نجعلهم أئمةً (آن‌ها را امام قرار می‌دهیم): حَفِظْنَاها (او را حفظ کردیم):
۶. نجعلهم أئمةً (آن‌ها را امام قرار می‌دهیم): حَفِظْنَاها (او را حفظ کردیم):
۷. استخرجها (او را بیرون آورد): اِنْتَظَرُوا (منتظر باشید):
۸. استخرجها (او را بیرون آورد): اِنْتَظَرُوا (منتظر باشید):

التمرین السابع - تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَ وَعَيِّنِ الْفِعْلَ الْأَزِمَ وَالْمُتَعَدِّيَ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

١. ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لذنوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذَّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾
٢. ﴿إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَقِظُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾
٣. ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ﴾
٤. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾
٥. النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا إِنْتَبَهُوا.

التمرین الثامن - عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- | | | |
|---------------------------------|-------------------------------|---|
| الف. اسم، جمع، مذکر | ب. اسم، جمع مکسر، مؤنث | ١. الصُّور: |
| الف. فعل امر، مفرد مذکر مخاطب | ب. فعل ماضی، مفرد مذکر غایب | ٢. أَنْظُرُ: |
| الف. اسم، مفرد، مذکر | ب. فعل مضارع، مفرد مؤنث غایب | ٣. التَّعْرِفُ: |
| الف. فعل امر، جمع مذکر مخاطب | ب. فعل ماضی، جمع مذکر غایب | ٤. أَرْسَلُوا: |
| الف. فعل مضارع، مفرد مؤنث غایب | ب. فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب | ٥. أَنْتَ تُشَاهِدُ: |
| الف. فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب | ب. فعل مضارع، مفرد مؤنث غایب | ٦. عَرَفْتُمُ الْأَسْمَاكَ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ: |

التمرین التاسع - إقرأ النصَّ ثُمَّ أَجِبْ عن الأسئلة:

هَلْ تَتَوَقَّعُ فِي يَوْمٍ أَنْ تَرَى أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ!! نَحْنُ إِعْتَدْنَا (عَادَتِ دَاشْتِيم) أَنْ نَرَى الْأَسْمَاكَ فِي الْبَحَارِ وَالْأَنْهَارِ وَلَكِنْ لَمْ نَعْتَدْ (عَادَتِ نَدَاشْتِيم) أَوَّلًا أَنْ نَرَى السَّمَاءَ تَمُطِرُ عَلَيْنَا أَسْمَاكَ؟ فَهَلْ تَتَخَيَّلُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ حَقِيقَةً وَلَيْسَ فِلمِ كَرْتُونِي (كَارْتُونِي) أَوْ خِيَالِ عِلْمِي؟! فِي جُمْهُورِيَةِ الْهِنْدُوْرَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوَسْطَى كَانَ السَّمَاءُ تَمُطِرُ أَسْمَاكَ بَدَلًا مِنَ الْمِيَاهِ. هَذِهِ الظَّاهِرَةُ تُسَمَّى «مَطَرُ السَّمَكِ» وَهِيَ ظَاهِرَةٌ طَبِيعِيَّةٌ حَيَّرَتِ الْعُلَمَاءَ عَلَى مَدَى (دِرْطُول) سَنِينَ طَوِيلَةٍ فَلَمْ يَجِدُوا لَهَا تَفْسِيرًا عِلْمِيًّا حَتَّى الْآنَ.

١. أَيْنَ اعْتَدْنَا أَنْ نَرَى الْأَسْمَاكَ؟
٢. هَلْ «مَطَرُ السَّمَكِ» خِيَالٌ عِلْمِيٌّ؟
٣. أَيْنَ يَقَعُ «مَطَرُ السَّمَكِ»؟
٤. مَا تُسَمَّى ظَاهِرَةُ تَسَاقُطِ الْأَسْمَاكَ مِنَ السَّمَاءِ؟

پاسخ تمرین های امتحانی قواعد

التمرین الأول

- ۱ اِسْتَعْفَرَ: آمزش خواست / ما اِسْتَعْفَرْنَا: آمزش نخواست
يَسْتَعْفِرُ: آمزش می خواهد / لا يَسْتَعْفِرُ: آمزش نمی خواهد
لا تَسْتَعْفِرُ: آمزش نخواه / اِسْتَعْفِرْ: آمزش بخواه / باب: اِسْتَفْعَال
- ۲ اِعْتَذَرَ: عذرخواست / ما اِعْتَذَرْنَا: عذر نخواست / يَعْتَذِرُ: عذر می خواهد / لا يَعْتَذِرُ: عذر نمی خواهد (عذرخواهی نمی کند) / لا تَعْتَذِرُ: عذرخواهی نکن / اِعْتَذِرْ: عذر بخواه (عذرخواهی کن) // باب: اِفْتِعَال
- ۳ اِنْقَطَعَ: قطع شد / ما اِنْقَطَعْنَا: قطع نشد / يَنْقَطِعُ: قطع می شود / لا يَنْقَطِعُ: قطع نمی شود / لا تَنْقَطِعُ: قطع نشو / اِنْقَطِعْ: قطع شو / باب: اِنْفِعَال
- ۴ تَكَلَّمَ: صحبت کرد / ما تَكَلَّمْنَا: صحبت نکرد / يَتَكَلَّمُ: صحبت می کند / لا يَتَكَلَّمُ: صحبت نمی کند / لا تَتَكَلَّمُ: صحبت نکن / تَكَلَّمْ: صحبت کن / باب: تَفَعُّل
- ۵ اِمْتَنَعَ: خودداری کرد / ما اِمْتَنَعْنَا: خودداری نکرد / يَمْتَنِعُ: خودداری می کند / لا يَمْتَنِعُ: خودداری نمی کند / لا تَمْتَنِعُ: خودداری نکن / اِمْتَنِعْ: خودداری کن / باب: اِفْتِعَال
- ۶ تَعَلَّمَ: یاد گرفت / ما تَعَلَّمْنَا: یاد نگرفت / يَتَعَلَّمُ: یاد می گیرد / لا يَتَعَلَّمُ: یاد نمی گیرد / لا تَتَعَلَّمُ: یاد نگیرد / تَعَلَّمْ: یاد نگیرد / لا تَتَعَلَّمْ: یاد نگیر / تَعَلَّمْ: یاد بگیر / باب: تَفَعُّل

التمرین الثاني

- ۱ أنا / من خودداری می کنم.
- ۲ أنتم / شما یاد می گیرید.
- ۳ نحنُ / ما طلب آمزش می کنیم.
- ۴ همُ / آن ها نایستادند.
- ۵ أنتم / شما تمرین می کنید (انجام می دهید)
- ۶ أنتُ / تو صحبت کن
- ۷ هُنَّ / آن ها عذرخواهی کردند.
- ۸ أنا / من طلب آمزش می کنم.
- ۹ هو / او خالی نمی شود.
- ۱۰ أنتمُ / شما قطع نشدید.
- ۱۱ هُنَّ / آن ها صحبت می کنند.
- ۱۲ همُ / آن ها سود می برند.
- ۱۳ أنا / من نیفتادم.
- ۱۴ همَا / آن ها خودداری می کنند.
- ۱۵ أنتِ / تو پیشنهاد کن.
- ۱۶ هُوَ / او صحبت کرد.
- ۱۷ أنتمَا / شما طلب آمزش کنید.
- ۱۸ نحنُ / ما جشن خواهیم گرفت.
- ۱۹ نحنُ / ما کار نکردیم.
- ۲۰ أنتِ / تو ملاحظه کردی.
- ۲۱ أنتِ / تو منتظر خواهی شد.
- ۲۲ هُوَ / او فرستاده شد.

- ۲۳ هی / او فارغ التحصیل شد.
- ۲۴ أنتِ / تو آگاه شو. (بیدار شو)

التمرین الثالث

- ۱ أرسلنا
- ۲ نَتَخَرَّجُ
- ۳ اِنْقَطَعَ
- ۴ يَنْتَظِرُ
- ۵ أُنزِلَ
- ۶ اِسْتَلْمَنَا
- ۷ حَيَّرَتْ
- ۸ ثَمَطُرُ

التمرین الرابع

- ۱ تَكَلَّمَ
- ۲ يَنْقَطِعُ
- ۳ تَعَلَّمَ
- ۴ اِسْتَعْلَى
- ۵ لا تَسْتَرْجِعُ
- ۶ سَيَتَفَتَّحُ

التمرین الخامس

الفعل الماضي: احترقوا: آتش گرفتند / اِسْتَخْدَمُوا: استخدام کردند، به کار گرفتند
الفعل المضارع: اَتَخَرَّجُ: فارغ التحصیل می شوم / يَتَكَلَّمُونَ: صحبت می کنند
المصدر: اِبْتِسَام: لبخند زدن / اِنكسار: شکستن
فعل الأمر: تَعَرَّفِي: بشناس / اِنْتَبِهِي: آگاه شوید
فعل النهي: لا تحرقوا: آتش نگیرید / لا تَشْتَغِلوا: مشغول نشوید

التمرین السادس

- ۱ فعل متعدی
- ۲ فعل لازم
- ۳ فعل متعدی
- ۴ فعل متعدی
- ۵ فعل متعدی
- ۶ فعل متعدی
- ۷ فعل لازم
- ۸ فعل لازم

التمرین السابع

۱ برای گناهانشان طلب آمزش می کنند و چه کسی جز خداوند گناهان را می بخشد / يَغْفِرُ: فعل متعدی

۲ غیب تنها از آن خداوند است پس صبر کنید من نیز همراه شما از منتظران هستم. / اِنْتَظِرُوا: فعل لازم

۳ و بر آن چه می گویند صبر کن و آن ها را ترک کن. / اِهْجُرْ: فعل متعدی

۴ ای کسانی که ایمان آوریده اید دشمن من و دشمن خودتان را به عنوان دوست نگیرید. (قرار ندهید)

آمنوا: فعل لازم / لا تَتَّخِذُوا: فعل متعدی

۵ مردم خفتگانند هنگامی که می میرند بیدار می شوند. / ماتوا: فعل لازم، اِنْتَبِهوا: فعل لازم

التمرین الثامن

- ۱ گزینه «ب»
- ۲ گزینه «الف»
- ۳ گزینه «الف»
- ۴ گزینه «ب»
- ۵ گزینه «ب»
- ۶ گزینه «ب»

التمرین التاسع

۱ نحن اِعْتَدْنَا أن نرى الأسماك في البحار والأنهار.

۲ لا، هي ظاهرة طبيعية.

۳ يَبَقُ «مطر السمك» في جمهورية الهندوراس.

۴ مطر السمك

ردیف	نمونه سؤالات امتحانی درس سوم	نمره
١	تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْحَدِيثَ: ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِنَاسٍ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ النَّاسُ نِيَامٌ؛ إِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.	١
٢	تَرْجِمِ الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةَ: يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرِ السَّمَكِ». حَاوَلِ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمُّوهُ «مَهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ».	١/٥
٣	أَكْتُبْ مَا طُلِبَ مِنْكَ: يُلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ (بِالْفَارْسِيَّةِ): هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى «مَطَرِ السَّمَكِ» (بِالْفَارْسِيَّةِ): بَرَفٍ (بِالْعَرَبِيَّةِ): كَذَرْنَامَةٍ (بِالْعَرَبِيَّةِ): نِيَامٍ (الْمَفْرَدِ): فَلَمٍ (الْجَمْعِ):	١/٥
٦	عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَالْمَتَضَادَّةِ: (أَصْبَحَ - رَفَعَ - صَارَ - حُجِرَ - أَنْزَلَ - عُرِفَ - صُعِدَ) = / = / ≠	١/٥
٧	تَرْجِمِ الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةَ وَعَيْنِ الْفِعْلِ الْإِزْمِ وَالْفِعْلِ الْمُتَعَدِّي: ذَهَبْتُ زَمِيلَتِي لِإِطْفَاءِ الْمَكِينَاتِ: قَامَتْ رَقِيَّةٌ فِي حِصَّةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. ﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ ﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾	٢
٨	عَيْنِ ضَمِيرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ: تَتَخَرَّجِينَ. تَكَلِّمُ. اقْتَرِحِي مَا اعْتَدَرْنَ.	١
٩	الْجُمْلَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ تَرْجِمِ ثُمَّ عَيْنِ نَوْعِ بَابِ الْأَفْعَالِ: انْقَطَعَتِ الْكَهْرِبَاءُ: نَحْنُ تَعَلَّمْنَا: اسْتَغْفِرُ رَبِّيكَ:	١/٥
١٠	جمع نمره	١٠

آزمون غنی‌سازی

۱. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ: «هَلْ يُصَدِّقُ قَدْ رَأَيْتَ مَطَرِ السَّمَكَ؟»:
- (۱) آیا راست می‌گوید که باران ماهی دیده‌ای؟
- (۲) آیا باور می‌کنی که باران ماهی خواهی دید؟
- (۳) آیا راست می‌گویی که باران ماهی دیده‌ای؟
- (۴) آیا باور می‌کنی که باران ماهی دیده‌ای؟
۲. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلفَرَاغِ: «يا إِخْوَتِي،»:
- (۱) هَلْ إِتَمَّنْتُمْ؟
- (۲) هَلْ إِتَمَّنَعُوا؟
- (۳) هَلْ إِتَمَّنَعْتُمْ؟
- (۴) هَلْ إِتَمَّنَعْتُ؟
۳. عَيْنِ الخَطَأِ:
- (۱) هُمْ تَعَلَّمُوا
- (۲) أَنْتُمْ تَعَلَّمُوا
- (۳) هُمْ إِشْتَفَعُوا
- (۴) أَنْتُمْ إِشْتَفَعُوا
۴. «إِنَّ الْأَعْيَاصِرَ تَحْسَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:
- (۱) قطعاً گردباد ماهی را با نیروی فراوان به آسمان خواهد کشید!
- (۲) همانا گردباد ماهی‌ها را با قدرت به آسمان می‌کشد!
- (۳) قطعاً گردبادها، ماهی را با قدرت به آسمان کشیده‌اند!
- (۴) همانا گردبادها ماهی‌ها را با نیرو به آسمان می‌کشند!
۵. «قَدْ انْقَطَعَ رَجَائِي عَنِ الخَلْقِ» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:
- (۱) امیدم از خلق قطع شده است.
- (۲) خلق امیدم را قطع کرده‌اند.
- (۳) امیدم را از خلق قطع کرده است.
- (۴) امیدم را از خلق قطع کرده‌ام.
۶. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:
- «يَتَخَرَّجُ التَّلَامِيذُ مِنَ المَدْرَسَةِ وَ يَحْتَفِلُونَ هَذَا اليَوْمِ»
- (۱) دانش‌آموزان از مدرسه خارج می‌شوند و این روز را جشن می‌گیرند.
- (۲) دانش‌آموزان از مدرسه خارج می‌شدند در حالی که به جشن امروز فکر می‌کردند.
- (۳) دانش‌آموزان از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند و این روز را جشن می‌گیرند.
- (۴) دانش‌آموزان از مدرسه فارغ‌التحصیل شده و این روز را جشن گرفتند.
۷. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:
- «تَسْتَرْجِعُونَ الكُتُبَ وَ تَقُولُونَ عَفْوًا!»
- (۱) کتاب‌ها را باز می‌گردانید و می‌گویید: ببخشید!
- (۲) کتاب‌ها را پس می‌گیرید و می‌گویید: ببخشید!
- (۳) کتاب‌ها را پس می‌گیرید و می‌گویید: ببخشید!
- (۴) کتاب‌ها را باز می‌گردانید و می‌گویید: ببخشید!
۸. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ:
- «كَانَ صَدِيقِي يَنْتَظِرُ وَالِدَهُ لِلرَّجُوعِ إِلَى البَيْتِ»
- (۱) دوستم در انتظار پدرش بود تا به خانه بازگردد.
- (۲) رفیقم انتظار پدر را می‌کشید تا به خانه بازگردد.
- (۳) دوستم انتظار پدرش را می‌کشید تا به خانه بازگردد.
- (۴) او که انتظار بازگشت پدرش را به خانه می‌کشید دوستم بود.
۹. «تَعَلَّمْنَا الدَّرْسَ الْأَوَّلَ فِي الحِصَّةِ الْأَخِيرَةِ» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:
- (۱) درس اول را در زنگ آخر آموزش دادیم.
- (۲) اولین درس را در زنگ آخر آموزش می‌دهیم.
- (۳) اولین درس را در زنگ آخر یاد می‌گیریم.
- (۴) درس اول را در زنگ آخر آموختیم.
۱۰. «اِقْتَرَحِي هَذَا المَوْضُوعَ، لَا شَكَّ يَقبَلُونَ»، عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ:
- (۱) این موضوع را پیشنهاد کنید، بدون تردید می‌پذیرند.
- (۲) موضوعی را پیشنهاد کن که بدون تردید بپذیرند.
- (۳) این موضوع را پیشنهاد کن بدون تردید قبول می‌کنند.
- (۴) این موضوع را پیشنهاد کرد و آن‌ها بدون تردید قبول کردند.

پاسخ نمونه سؤالات امتحانی

- | | | | |
|----|---|----|--|
| ۱ | پس بگو قطعاً غیب برای خداست، پس منتظر باشید قطعاً من همراه شما از منتظران هستم. | ۱۱ | أفلام |
| ۲ | مردم خواب هستند، زمانی که می‌میزند متوجه می‌شوند. (بیدار می‌شوند). | ۱۲ | أصبح = صار / حُجْرَة = عُرْفَة / أنزل ≠ رَفَع |
| ۳ | مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می‌نامند. | ۱۳ | هم‌کلاسی‌ام برای خاموش کردن کولرها رفت. / ذَهَبْتُ: فعل لازم |
| ۴ | دانشمندان برای شناختن راز آن پدیده عجیب تلاش کردند. | ۱۴ | رقبه در زنگ زبان عربی ایستاد. / قامَتْ: فعل لازم |
| ۵ | مردم در هندوراس این روز را سالانه جشن می‌گیرند و آن را فستیوال باران ماهی می‌نامند. | ۱۵ | می‌دانم آن چه را که نمی‌دانید. / أعلمُ: فعل متعدی |
| ۶ | ابر | ۱۶ | ما را بیمارز و به ما رحم کن / إرحمُ: فعل متعدی |
| ۷ | باور می‌کنی | ۱۷ | أنت / توفراغ التحصیل می‌شوی. |
| ۸ | تُلج | ۱۸ | أنت / توسخن بگو. |
| ۹ | جواز السفر | ۱۹ | أنت / تو پیشنهاد کن. |
| ۱۰ | نام | ۲۰ | هُنَّ / آن‌ها عذرخواهی کردند. |
| | | ۲۱ | برق قطع شد. / باب انفعال |
| | | ۲۲ | ما آموختیم. / باب تَفَعَّل |
| | | ۲۳ | از پروردگارت طلب آموزش کن. / باب استفعال |

پاسخ آزمون غنی‌سازی

- | | | | |
|---|---|----|---|
| ۱ | گزینه «۴» يُصَلِّقُ: باور می‌کند / قَدْ رَأَيْتَ: دیده‌ای | ۵ | گزینه «۱» «قَدْ انْقَطَعَ» از باب «انفعال» است و می‌دانیم که باب «انفعال» لازم است و نیازی به مفعول ندارد. در سایر گزینه‌ها «امیدم» در نقش مفعول ظاهر شده است؛ بنابراین غلط می‌باشند. |
| ۲ | گزینه «۱» یا إخوتی: ای برادرانم؛ از آن‌جا که این کلمه جمع مذکر بوده و با وجود حرف «یا» مخاطب می‌شود؛ گزینه «۱» پاسخ صحیح است. | ۶ | گزینه «۳» «يَتَخَرَّجُ» فاعل التحصیل می‌شوند / يَحْتَفِلُونَ: جشن می‌گیرند |
| ۳ | گزینه «۳» فعل «تَعَلَّمُوا» می‌تواند هم «جمع مذکر غایب ماضی» باشد و هم «جمع مذکر مخاطب امر» بنابراین هم می‌تواند با ضمیر «هُم» به کار رود و هم با ضمیر «أَنْتُمْ» ولی «إِسْتَغْفِرُوا»، «جمع مذکر مخاطب امر» است، بنابراین تنها با ضمیر «أَنْتُمْ» به کار می‌رود. | ۷ | گزینه «۲» تَشْتَرِعُونَ: پس می‌گیرید / تقولون: می‌گویید |
| ۴ | گزینه «۴» الأعاصير: گردبادها / تَحَسَّبُ: می‌کشند | ۸ | گزینه «۳» كان يَنْتَظِرُ: انتظار می‌کشید / والده: پدرش |
| | | ۹ | گزینه «۴» تَعَلَّمْنَا: آموختیم / الدرس الأول: درس اول |
| | | ۱۰ | گزینه «۳» إقترحي: پیشنهاد کن (امر) / هذا الموضوع: این موضوع / يقبلون: قبول می‌کنند |